

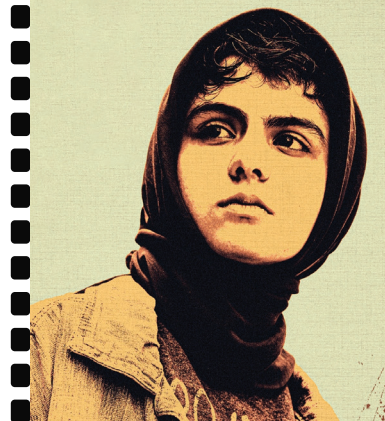
SPOILER ALERT!
هشدار از لورفتن داستان

شناسنامه فیلم

فیلم: کت چرمی
کارگردان: حسین میرزامحمدی
تهیه کننده: کامران حجازی
نویسنده: مسعود هاشمی نژاد
بازیگران: جواد عزتی، سارا حاتمی، صابر ابر، گلاره عباسی، پانته آ پناهی‌ها، ستاره پسیانی، عباس جمشیدی فر و مائده طهماسبی
فیلمبردار: آرمان فیاض
موسیقی: مسعود سخاوت دوست
تدوین گر: عماد خداپخش
محصول: بنیاد سینمایی فارابی
تاریخ اکران: ۱۷ خرداد ۱۴۰۲

داستان فیلم:

عیسی فرمند (جواد عزتی)، بازرس سازمان بهزیستی که مرگ دختر نوجوانش در اثر مصرف مواد مخدر از او آدمی و اخورده و خمشگین و کناره گیر ساخته، در جریان تحقیق از یک مرکز خصوصی نگهداری دختران بدسرپرست و بی سرپرست از طریق دختر متعادی به نام ثریا (سارا حاتمی) درمی یابد که از دختران این مرکز برای قاچاق مواد مخدر استفاده می شود و با انگیزه شخصی ای که دارد تصمیم به افشای ارتباط میان حامی مالی بانفوذ مرکز و قاچاق دختران می گیرد. او در این مسیر از دختر خاله اش، پونه (گلاره عباسی) که متخصص پزشکی قانونی است، کمک می گیرد تا رد بخیه های روی بدن دختران این مرکز را که از عمل خارج کردن بسته های بلعیده شده مواد به جامانده بر روی کند. در این بین، یک مأمور امنیتی به نام صالحی (صابر ابر) نیز فعالیت های دکتر رفیعی، حامی مالی مرکز را زیر نظر دارد. رئیس عیسی در بهزیستی از نافرمانی او به ستوه می آید و از کار برکنارش می کند. ثریا که از مرکز نگهداری زنان معتاد گریخته، به عیسی پناه می آورد و به او می گوید در صورتی که عیسی بتواند برای مادر او، زری (پانته آ پناهی) که به دلیل قتل شوهرش، مصیب، به اعدام محکوم شده رضایت بگیرد، حاضر است در دادگاه علیه دکتر رفیعی شهادت دهد. عیسی که در جلب رضایت خانواده مصیب ناموفق است، متوجه می شود دکتر رفیعی خواهان اجرای حکم زری است و خانواده مصیب را تطمیع کرده است. ثریا، بعد از اطلاع از ناکامی عیسی در جلب رضایت، خود کشی می کند و عیسی سرخورده از اجرای عدالت با ماشین، دکتر رفیعی را زیر می گیرد. صالحی به عیسی اطلاع می دهد که زری قصاص نشده و رفیعی هم زنده است و اگر عیسی دست از خودسری بردارد، او می تواند مدارکی که دارد و با همکاری پلیس، رفیعی را دستگیر کند. در آخر، عیسی برای قبر دخترش سنگ سفارش می دهد و به مزار او می رود.



مرد بازنده

برخلاف اغلب فیلم های ایرانی که کمدی و درام اجتماعی هستند، «کت چرمی» به ژانر متفاوتی تعلق دارد

حمید همایون

انتخاب «کت چرمی» به عنوان فیلم ماه ربطی به کیفیت آن ندارد؛ همانطور که ماه گذشته نوشتن از «فسیل» در این صفحه متأثر از کیفیت آن نبود. از «فسیل» نوشتیم، چون در دوره ای که تماشاگر سینمای ایران به وضوح کاهش یافته، این فیلم توانست رکوردهای فروش را جابه جاکند و تماشاگران زیادی را به سالن های سینما بکشاند. این بار هم که از «کت چرمی» می نویسیم، صرفاً به دلیل تفاوت ژانرش با فیلم های روی پرده است. در سینمای تجاری ایران که معمولاً غالب آثار کمدی یا درام اجتماعی هستند، نمایش فیلمی مثل «کت چرمی» که می توان آن را در ژانر تریلر جنایی یا مایه های نوآر جای داد، پدیداری است که پرداختن به آن نکاتی را درباره سینمای ایران روشن می کند.

ناسازگاری پیوندی

با اینکه «کت چرمی» فیلم ژانری محسوب می شود، یا به عبارت دقیق تر سعی کرده از برخی الگوها و ویژگی های ژانری تبعیت کند اما با این حال یک فیلم ژانری ناب و خالص نیست؛ به این معنا که نمی توان آن را یکسره تریلر جنایی یا نوآر یا درام اجتماعی قلمداد کرد. «کت چرمی» فیلمی هیبریدی (پیوندی) است که از تلفیق چند عنصر از ژانرهای مختلف بهره گیری از مؤلفه های اصلی چرخه فیلم های خوشنونت و فخر که در چند سال اخیر در سینمای ایران باب شده، پدید آمده است. اما همین پیوند و تلفیقش هم تازه نیست. از نظر خط داستانی، روایت و شخصیت پردازی باید «مرد بازنده» ساخته محمدحسین مهدویان را که سال پیش اکران شد، سلف «کت چرمی» و الگوی اصلی آن دانست؛ خصوصاً که هر دو فیلم تهیه کننده و بازیگر اصلی یکسان دارند و مهدویان نیز در «کت چرمی» مشاور کارگردان است. همانطور که مرد بازنده سودای خلق یک نوآر ایرانی را داشت، «کت چرمی» هم همین وسوسه را داشته، ولی شکست فیلم مهدویان، چه در گیشه و چه در ارزیابی انتقادی، گروه سازنده «کت چرمی» را بر آن داشته برای اطمینان از موفقیت فیلم مؤلفه ها و سازمایه هایی از فیلم هایی همچون «بدو یک روز» (سعیدرستایی، ۱۳۹۴)، «مغزهای کوچک زنگ زده» (هومن سیدی، ۱۳۹۷)، «متری شیش و نیم» (سعیدرستایی، ۱۳۹۷) و «شنای پروانه» (محمد کارت، ۱۳۹۹) را به داستان خود اضافه کنند. نماهای مستندگونه و بادغذغه بازنمایی کژی ها و رنج های اجتماعی همچون صحنه های مرکز نگهداری از زنان معتاد، سکونت حاشیه نشین ها در واگن های اسقاطی لب خط و شرط بندی روی مبارزه سگ ها به دنبال الصاق نوعی رئالیسم اجتماعی به فیلم و جلب رضایت آن دسته از تماشاگرانی است که هر نمایی را اشاره ای به واقعیت بیرونی و نوعی موضع گیری در قبال شرایط سیاسی و اجتماعی می دانند. شاید بتوان گفت سازندگان «کت چرمی» بر این گمان بوده اند که پاشنه آشیل اثر قبلی شان یعنی «مرد بازنده» کم مایه بودن وجه رئالیستی اش بوده و به خیال خود با افزودن مقداری واقعیت اجتماعی به الگوی روایتی محبوب شان که تلفیقی از تریلر جنایی و نوآر است، کوشیده اند این بار به موفقیت برسند؛ هر چند باز ناکام مانده اند. «کت چرمی» فیلمی دو پاره و ناموفق است؛ فیلم به عنوان تریلر جنایی - نوآر به دلیل ناتوانی از گره افکنی جذاب و به مثابه درام اجتماعی به سبب نگاه پرستی به مسائل و مشکلات اجتماع، ناتوان از اثر گذاری است.



تناقض ذاتی

بدبینی و ناامیدی و سوءظن قهرمان داستان، فساد در ارکان مختلف اجتماع شهری، ابهام در ارزش های اخلاقی و دشواری بی بردن به حقیقت به فیلمی که مایه های نوآر دارد نوعی عدم قطعیت می بخشد. اما در «کت چرمی» خبری از ابهام و شک و تردید ملموس و واقعی نیست. حل و فصل ماجرا به دست مأمور امنیتی - و نه به دست عیسی در مقام کارآگاه خصوصی - راه را بر هر عدم قطعیت و شک اگز بیستانیالیستی می بندد. برخلاف نمونه های مشهور نوآر که کارآگاه خصوصی یا قهرمان داستان که پلیس و مأمور قانون نیست، پرونده ای را مختومه و فساد را افشای می کند، در اینجا مأمور امنیتی که حد اعلائی نمایندگی اقتدار مطلق است، موفق به اجرای قانون و رفع هر گونه شک و شبهه در مسامحه در برقراری عدالت می شود. عیسی که یک بار به خاطر باورها و طرز برخوردش با دخترش طعم تلخ از دست دادن فرزند را چشیده، با اینکه این بار هم در مراقبت از دختر معنوی اش، ثریا، شکست خورده، دچار شک و تردیدی بنیادین نمی شود. کل ماجرای که عیسی از سر گذرانده، به این می انجامد که دست از شماتت خود بردارد و مرگ دخترش را بپذیرد.

در واقع، بحران پدرانگی عیسی، در مقام پدری مایوس و مغموم، با پذیرش مرگ دخترش التیام می یابد و تماشاگر نیز به پذیرش اقتدار مطلق که همه چیز را زیر نظر دارد و راه را بر فساد فردی می بندد، ترغیب می شود. وجه دیگر این اقتدار مطلق کارکردی است که به عنوان حافظ ارزش ها دارد. سرهنگ احمد خسروی در «مرد بازنده» و عیسی فرمند در «کت چرمی»، هر دو زندگی خانوادگی از هم گسیخته و پریشانی دارند. خسروی هم مثل عیسی تنها زندگی می کند و باز هم مثل عیسی که رابطه مسالمت آمیزی با دخترش نداشته، پسرش را در ک نمی کند. غیاب خانواده در هر دو فیلم با حضور مأمور امنیتی که پدران/ برادرانه مراقب همه چیز هست و جلوی فساد فردی افراد بلندمرتبه و تندروی افرادی مثل عیسی و احمد را می گیرد، تعدیل می شود. یکبار چگی و انسجام ناشی از حضور مأمور امنیتی اجازه بروز بدبینی و ناامیدی مطلق را نمی دهد و این پیام ضمنی را در خود دارد که خطاهای فردی، هر قدر هم گسترده و عمیق، در نهایت در داخل سیستم با مجازات روبه رو می شود. در همین نقطه است که تناقض رویکرد اجتماعی فیلم با جهان بینی آن جلب نظر می کند. آن نمایش به ظاهر رئالیستی مصایب اجتماعی با برخورد کلیشه ای و غیرتالیستی با نماینده اقتدار، تناقضی را به وجود می آورد که نابسندگی رویکرد فیلم را در پرداختن به مسئله اش آشکار می سازد.

اگر از منظر استودیوی سازنده به تحلیل کت چرمی بپردازیم، علت مشکلات روایی و نقصان های ماهیتی آن را بهتر درک می کنیم. «کت چرمی» را نباید صرفاً به چشم تریلر جنایی - نوآر نگریست؛ بلکه باید آن را بازنمایی ناخودآگاه نوعی از فیلم سازی دانست که برای ورود مخاطب بیشتر به حلقه تماشاگرانش گوشه چشمی به الگوها و سرمشق ها دارد، اما در نهایت نمی تواند از پیام های فکری متداولش دل بکند.

